

The Jurisprudential-Legal Principles of Iran's Criminal Policy to Combat Water Crimes¹

Farzaneh Moradi¹, Seyyed Hossein Hashemi², Seyyed Mahmoud Mirkhalili³, Shahrdad Darabi⁴

¹Ph.D. in criminal law and criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
moradif25@yahoo.com

² Associate Professor, criminal law and criminology, Faculty of Law, Mofid University, Qom, Iran
(Corresponding Author). shhashemi@gmail.com

³ Associate Professor, criminal law and criminology, Faculty of Law, Farabi Pardis (Camp of Tehran University), Qom, Iran. mirkhalili@ut.ac.ir

⁴ Assistant Professor, criminal law and criminology, Faculty of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. shahrdad.darabi@yahoo.com

Abstract

Water Crimes are those whose "water resources" are both surface and underground; More precisely, any behavior (whether verbal or verbal) that in some way leads to the destruction, destruction, pollution or infliction of any damage or damage to water resources and is punishable by law, It will be entitled "Water Crimes". Obviously, the basic philosophy of criminalization of water crimes is to protect these resources, given their vital role in various aspects of human life and to act in accordance with the basic human contract for the formation of society, namely the "social contract". Despite the acceptance of the need to use the capacity of all different sciences to conserve water resources and to utilize the knowledge of criminal policy and to measure the extent to which existing criminal policy is available in the country against water offenses, we have no choice but to carefully examine the existing criminal policy. And there is no doubt that the study of this matter requires a preliminary examination of its foundations. Given the supreme position of jurisprudence and the law as the basis for the criminalization of these crimes, this article will deal with the legal and legal foundations of this important issue.

Keywords: Water Crime, Criminal Policy, Jurisprudence, Legal Principles, Water Resources Conservation.

¹- **This article is taken from:** Farzaneh Moradi's doctoral dissertation entitled: Iran's Criminal Policy in Water Crimes; Challenges and Solutions.

مبانی فقهی-حقوقی سیاست جنایی ایران برای مقابله با جرایم آبی^۲

فرزانه مرادی^۱، سید حسین هاشمی^۲، سید محمود میرخلیلی^۳، شهرداد دارابی^۴

^۱. دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

moradif25@yahoo.com

^۲. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسئول).

shhashemi@gmail.com

^۳. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی (دانشگاه تهران)، قم، ایران.

mirkhalili@ut.ac.ir

^۴. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

shahrdad.darabi@yahoo.com

چکیده

جرایم آبی، جرایمی هستند که موضوع آنها «منابع آبی» اعم از سطحی و زیرزمینی است. به عبارت دیگر، هرگونه رفتار (اعم از فعل یا ترک فعل) که به نوعی منجر به از بین رفتن، تخریب، آلودگی و یا ورود هرگونه زیان و خسارت به منابع آبی شده و در قانون نیز برای آن مجازات تعیین شده باشد، مشمول عنوان «جرایم آبی» خواهد بود. به تبع جرم‌انگاری این جرایم، مجازات انگاری نیز در نظام کیفری ایران برای آنها صورت گرفته است. بنابراین، مقابله با این جرایم صرفاً در برخورد کیفری خلاصه نمی‌شود و تمامی ابعاد، سطوح و ابزار سیاست جنایی (نه کیفری صرف) را می‌طلبد. علی‌رغم این امر، مشاهده بسیاری از بهره‌برداران غیرمجاز از منابع آب، حاکی از اعتقاد بسیاری از آنها به قانونی و شرعی بودن عمل ارتكابی و عدم اعتقاد قلبی به قوانین و مقرراتی است که آنها را از این عمل بازمی‌دارد. دلیل عمده ایشان، مجوز قانون مدنی برای بهره‌برداران از این منابع است که به عقیده آنها براساس منابع فقهی نگاشته شده است. به همین دلیل نگارنده بر آن شد که در این نوشتار، مبانی موجود در فقه و حقوق برای سیاست جنایی حمایت‌کننده از منابع آب برای نسل‌های فعلی و آتی و برخورد قانونی با متجاوزان را بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: جرایم آبی، سیاست جنایی، مبانی فقهی، مبانی حقوقی، حفاظت از منابع آب.

^۲ پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان: «سیاست جنایی ایران در قبال جرایم آبی: چالش‌ها و راهکارها» است.

منظور از جرایم آبی، جرایمی است که موضوع آن‌ها «منابع آبی» اعم از سطحی و زیرزمینی می‌باشد؛ به عبارت دقیق‌تر هر گونه رفتار (اعم از فعل یا ترک فعل) که به نوعی منجر به از بین رفتن، تخریب، آلودگی و یا ورود هر گونه زیان و خسارت به منابع آبی شده و در قانون نیز برای آن مجازات تعیین شده باشد، مشمول عنوان «جرایم آبی» خواهد بود. بدیهی است که فلسفه اصلی جرم انگاری جرایم آبی، حفاظت از این منابع با توجه به ارزش و نقش حیاتی آن‌ها در ابعاد مختلف زندگی بشری و در راستای عمل به اصولی‌ترین و مهم‌ترین قرارداد انسان‌ها برای تشکیل جامعه، یعنی همان «قرارداد اجتماعی» است. امروزه حفاظت از منابع آبی، با توجه به بحران‌های موجود اهمیت بیشتری به خصوص در کشورهای خشک و نیمه خشک یافته است؛ اگرچه حفاظت از این منابع، موضوع گسترده‌ای است که حوزه‌های مختلفی از دانش بشری را به یاری می‌طلبد؛ اما بخش عمده‌ای از این مهم - به ویژه در بحث کنترل جرایم آبی که به طور جدی ویران کننده منابع آبی هستند - بر عهده حقوق کیفری و جرم‌شناسی است و در این وادی علاوه بر حقوق کیفری سایر شاخه‌های علوم جنایی نیز به میدان خواهند آمد. در این میان شاخه «سیاست جنایی» نقشی درخور توجه به خود می‌گیرد؛ چرا که همانطور که می‌دانیم، مفهوم «سیاست جنایی» شامل مجموعه تدابیر متنوع کیفری و غیرکیفری است که دولت و جامعه مدنی به طور مستقل یا با مشارکت یکدیگر در برخورد با جرم و انحراف در پیش می‌گیرند و موفقیت در حفاظت از منابع آبی یک کشور، بستگی شایانی به نحوه تدابیر کیفری و غیرکیفری موجود در سیاست جنایی آن کشور در جهت مقابله با جرایم آبی دارد. در توضیح ضرورت پرداختن به موضوع این نوشتار، باید گفت از آنجا که سیاست جنایی ایران در قبال جرایم آبی موضوعی است که در ادبیات حقوقی کشور ما مغفول واقع شده و کمتر به آن پرداخته شده است؛ لذا این بحث باید آغاز و جنبه‌های گوناگون آن سنجیده شود. برای شروع باید ابتدا سیاست جنایی موجود را به خوبی شناخت؛ چرا که صرفاً در سایه شناخت دقیق سیاست موجود است که می‌توان نواقص و ضعف‌ها را شناسایی و برای آن‌ها راهکار اندیشید. برای طی این مسیر طولانی، ابتدا باید مبانی‌ای که برای تدوین یک سیاست جنایی سنجیده در نظام حقوقی فعلی کشور ما وجود دارد، مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان نتایج متقنی در خصوص میزان بهره‌گیری از ظرفیت مبانی موجود در سیاست جنایی فعلی گرفت. مبانی می‌تواند تعیین‌کننده محتوا و جهت‌ها و هدف‌ها باشد؛ مبانی جمع مبنی به معنای جای است و عبارت است از مجموعه‌ای از باورها، هنجارها، علوم و ارزش‌ها که هویت و محتوای رفتارها را شکل می‌دهد (مؤسسه فرهنگی انتظار نور، ۱۳۸۷، ص ۷۹). بنا به تعبیری، مبانی هر مکتب نوع اصول ارزشی و تربیتی آن مکتب را مشخص می‌کند (نجفی زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۴۰).

یعنی برخلاف رویه لغت‌شناسان که در نوشته‌های خود، بین «اصل» و «مبنا» فرق صریحی نیاورده‌اند و نویسندگان نیز گاه این دو را به جای یکدیگر به کار می‌برند، می‌توان بین آن‌ها فرقی قائل شد، هرچند تأسیسی در اصطلاح باشد؛ به این ترتیب که «اصل» قواعد و قوانینی است که هر علم بر آن‌ها استوار می‌شود، آن‌گونه که هیچ‌کس در موجودیت آن قواعد و قوانین اختلاف نکند و «مبنا» قواعد و پیش‌فرض‌های پژوهنده‌ای است که در ابتدای کار بسان یک اصل برای خود قرار می‌دهد، خواه دیگران آن را بپذیرند و خواه نپذیرند (جواهری، ۱۳۸۸، ص ۷۵). در این ارتباط می‌توان گفت، مبانی در اصطلاح دارای تعبیر مختلفی است که در هر دانشی براساس خودش بحث می‌شود؛ لیکن به طور کلی، انواعی دارد که از جهات مختلف قابل تقسیم است. از لحاظ حوزه و قلمرو، سه گونه است که عبارت‌اند از: انسان، جهان و معرفت که مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی را شکل می‌دهند و در نگاه دیگر، تقسیم به لحاظ ماهیت آموزه‌هایی است که بیانگر بنیادها و پایه‌های تربیت‌اند و از سه منبع علم، فلسفه و دین استخراج می‌شوند و از این منظر، مبانی به علمی، فلسفی و دینی تقسیم می‌شود (صداقت، ۱۳۹۲، ص ۷۹). مبانی دینی که به موضوع بحث ما نزدیک‌تر است به واقعیت‌هایی مربوط است که از ناحیه‌ی دین ارائه شده و منشأ برخی از بایدها و نبایدها می‌شود. چنان‌که گفته‌اند: «مبانی دینی، تعالیمی هستند که عمده‌تاً قواعد و مقررات زیستن انسان را مطرح می‌کنند و ضمن روشن ساختن ماهیت انسان و نگرش شناختی جهان، به غایت زندگی، معرفت انسانی و ارزش‌های مورد قبول او در سراسر هستی‌اش توجه می‌نمایند» (همان، ص ۷۱). بدین ترتیب، وقتی از مبانی سیاست جنایی موجود در خصوص یک موضوع سخن به میان می‌آید، در واقع هدف، ریشه‌یابی و یافتن اساس و شالوده تدوین سیاست جنایی در خصوص آن موضوع است؛ در این جا باید مشخص باشد که منظور بررسی مبانی در کدام دانش و در کدام نوع است. پس از آن باید به عمق افکار و نظریات مؤثر بر شکل‌گیری سیاست جنایی وارد شد و دریافت که پایه و اساس آن بر چه چیزی استوار است؛ نظریات دانشمندان علوم مختلف، مذهب، عرف و عادات و رسوم یک جامعه، قانون و ... هر یک تا چه حد در شکل‌گیری سیاست جنایی مؤثر بوده‌اند و به طور کلی، نیرو و جاذبه‌ی پنهانی که پشتیبان سیاست جنایی است و ما را به گردن نهادن به مقابل تدابیر و ابزار آن وادار می‌سازد، چیست؟ این نوشتار به دنبال بررسی این موضوع است؛ لیکن با توجه به گستردگی موضوع، تمرکز این نوشتار بر روی مبانی فقهی - حقوقی سیاست جنایی واقع گردیده است. بر این اساس، با توجه به ویژگی‌های سیاست جنایی ایران که تعالیم فقهی نقشی درخور توجه در پیدایش لایه‌های مختلف آن در تمامی زمینه‌ها داشته است و نیز با توجه به اهمیت مبانی حقوقی از حیث درک میزان اهمیت سیاست‌ها و میزان پیروی آن‌ها از ضمانت اجراهای مؤثر، این تحقیق می‌تواند ارزشمند باشد. در این بین، با توجه به اندیشه‌های عامه در جامعه، از جمله اینکه کشاورزان و روستاییان معتقدند که در فقه آب مباح است، لذا هر قدر که بخواهند می‌توانند از آن برداشت کنند و این امر در قانون مدنی نیز پیش‌بینی شده که هر کس زمینی را بکند و به آب برسد، مالک زمین و آب حاصله است.

سؤال‌های اصلی تحقیق عبارتند از:

- ۱- چه مبانی بازدارنده‌ای در فقه برای بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی وجود دارد؟
 - ۲- مهم‌ترین مبانی حقوقی برای پیشگیری از جرایم آبی چیست و چگونه این مبانی می‌توانند توجیه‌کننده سیاست جنایی موجود باشند؟
- در این راستا، فرضیه‌های متناظر با سؤالات مطروحه به شرح ذیل است:
- ۱- به نظر می‌رسد با توجه به کامل و دقیق بودن تعالیم فقهی، مبانی دقیقی نیز برای پیشگیری از بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی و حفاظت از آن‌ها در مقابل متجاوزان وجود داشته باشد.
 - ۲- به نظر می‌رسد مهم‌ترین مبانی حقوقی برای مقابله با جرایم آبی، اصول حاکم بر لزوم رعایت حقوق شهروندی تمامی افراد جامعه با این نگاه که دسترسی به آب حق همه افراد جامعه است، باشد. از آنجا که سیاست جنایی باید موجه باشد (مجازات باید موجه باشد و بدون توجیه نمی‌توان به نظام کیفردهی توسل جست و از سوی دیگر به سراغ تدابیر پیشگیرانه رفتن نیز نیازمند درک لزوم پیشگیری است)، لذا شاید با تکیه بر این مبانی بتوان سیاست جنایی مبارزه‌کننده با مجرمان آبی را که جرم آن‌ها همه افراد جامعه را بزه‌دیده می‌سازد، توجیه نمود. بدین ترتیب، در مباحث آتی، پس از نگاهی به ضرورت بررسی و تحلیل سیاست جنایی برای مقابله با جرایم آبی به کار رفته در نوشتار، با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به تحلیل و مطالعه موضوع خواهیم پرداخت.

۱- ضرورت بررسی سیاست جنایی ایران در برخورد با جرایم آبی و مقتضیات تدوین سیاست‌های سنجیده

۱-۱- بحران جدی آب در کشور

بررسی آمار و ارقام مرتبط با بخش آب از جنبه‌های مختلفی، حاکی از وجود چالش در اجزای مختلف این بخش است. اگرچه به دلیل بارش کم سابقه سال گذشته شاهد سرریز آب در برخی از مخازن سدها نیز بوده‌ایم؛ لیکن تا پیش از آن، هیچ‌گاه مخازن سدها به طور کامل پر نبوده و حتی تا نیمه نیز از آب پر نشده و غالباً کم آبی حاکم بوده است. علاوه بر این، همواره از تعداد ۶۰۹ دشت در کشور، ۳۵۵ دشت به دلیل افت سطوح سفره آب زیرزمینی، ممنوعه بوده است. همچنین آمارها نشان می‌دهد، سبقت گرفتن تخلیه از منابع آب زیرزمینی از تغذیه آن‌ها، تقریباً از سال ۱۳۵۷ شروع شده و هم‌اکنون ادامه مقدار تجمعی آن حدود ۱۲۰ میلیارد متر مکعب است که این رقم حدود یک چهارم کل ذخیره استاتیک آن‌هاست. وضعیت کل چاه‌های موجود در کشور هم نشان می‌دهد که حدود ۴۵ درصد آن‌ها غیرمجاز هستند. علاوه بر این‌ها، وابستگی مصارف کشور به آب‌های سطحی و زیرزمینی نیز به ترتیب ۴۵ و ۵۵ درصد تخمین زده می‌شود. براساس آخرین آمار برداری، بیلان منابع و مصارف آب در کشور به ترتیب ۸۸/۹، ۸/۳ و ۲/۸ درصد است.

از سوی دیگر به دلیل تغییر اقلیم، متوسط دمای سالانه شهرهای ارومیه، تبریز، اصفهان، تهران، مشهد، اهواز، زاهدان، شیراز، قزوین، کرمانشاه، گرگان، رشت، اراک، بندرعباس و یزد در ۱۵ سال اخیر، نسبت به متوسط بلندمدت، حدود ۰/۶ درصد درجه سانتی‌گراد افزایش داشته است و نیز میزان آب تجدیدپذیر کشور در سال‌های اخیر، نسبت به متوسط بلندمدت، حدود ۳۲ درصد کاهش داشته است که رقم بسیار چشم‌گیری است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶، ص ۲۲ - ۲۱).

این در حالی است که آمارها نشان می‌دهد که در طی ۱۵ سال آینده، دمای مناطق کشور افزایش خواهد یافت. این افزایش تحت سناریوهای متوسط و بدبینانه، به ترتیب برابر ۰/۷ درصد و یک درجه سانتی‌گراد خواهد بود. در ضمن، براساس سناریوهای متوسط و بدبینانه، طی ۱۵ سال آینده میزان روان آب در کل کشور کاهش خواهد یافت که مقادیر آن به ترتیب برابر با ۳/۵ و ۳۲/۵ درصد خواهد بود. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر، مصادیق متعدد و آشکاری را مبنی بر از بین رفتن زیست بوم‌های آبی کشور می‌توان مشاهده کرد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها در دریاچه ارومیه، تالاب‌های غرب و جنوب غرب کشور، تالاب‌های هامون در شرق کشور و زاینده رود را می‌توان نام برد. راندمان آبیاری در کشور نیز در دوره‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۸۰، ۱۳۹۱ - ۱۳۹۴ به ترتیب برابر با ۲۹/۷، ۳۶/۱ و ۴۳/۸ درصد بوده است که متوسط آن در کل دوره‌ی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۴ برابر با ۳۴/۵ درصد می‌شود.

میزان تولید ماده خشک به ازای هر مترمکعب آب نیز در حال حاضر در کشور برابر ۱/۰۷ کیلوگرم بر مترمکعب است و متوسط جهانی این شاخص ۲/۵ کیلوگرم بر مترمکعب است. اکنون، متوسط درصد آب به حساب نیامده در کشور برابر با ۲۵ درصد است که از این مقدار ۱۳/۴ درصد مربوط به تلفات واقعی (فیزیکی)، ۹/۹ درصد مربوط به تلفات ظاهری و ۱/۷ درصد نیز مربوط به مصارف مجاز بدون درآمد است. با توجه به آمار و ارقام ارائه شده می‌توان استنباط نمود که وضعیت بخش آب از جنبه‌های مختلف مطلوب نیست. به چالش‌های اشاره شده، باید منازعات و مناقشات آب را در ابعاد محلی و منطقه‌ای نیز افزود که در بسیاری از موارد به مسئله‌ای امنیتی در ابعاد ملی برای کشور تبدیل می‌شود (بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۹۶). توضیح آنکه عدم پراکنش یکنواخت مکانی و زمانی بارندگی در کشور باعث شده است که دست‌اندرکاران بخش آب در کشور در برنامه‌ریزی برای تأمین مناطق مختلف، دچار مشکل باشند. کمبود آب در شهرهای مهم و پر جمعیت کشور و وجود صنایع مهم در این شهرها، برنامه‌ریزان بخش آب کشور را به فکر تأمین آب در این مناطق از مناطق دوردست و سایر حوزه‌های آبریزی کشور انداخته است. در سال‌های اخیر به دلایل مذکور، راه‌حل انتقال آب بین حوزه‌ای، همیشه با چالش‌های اجتماعی در نقاط مبدأ و مقصد انتقال همراه بوده است (معمولا ساکنین منطقه مبدأ مخالف انتقال آب به منطقه مقصد هستند). چالش‌های اجتماعی مذکور به حدی است که در بعضی از موارد به چالش‌های امنیتی در مقیاس‌های محلی و ملی بدل گشته است؛ برای مثال می‌توان به انتقال آب بین حوزه‌ای بین حوزه‌های آبریز کارون و زاینده‌رود اشاره نمود که به درگیری‌ها و تنش‌های اجتماعی بین استان‌های اصفهان و خوزستان، بین استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری و همچنین بین استان‌های اصفهان و یزد منجر شده است (همان).

از بُعد منطقه‌ای نیز کمبود ذاتی آب در منطقه خاورمیانه به دلیل واقع شدن در قسمت خشک و نیمه خشک جهان از یک طرف و همچنین وقوع خشکسالی‌های پی در پی و تغییرات اقلیم از طرف دیگر، باعث شده است که کشورهای این منطقه از جمله ایران در تأمین منابع آب خود همواره دچار مشکلاتی باشند. عدم تطابق مرزهای سیاسی کشورها با مرزهای حوزه‌های آبریز باعث اشتراک رودخانه‌های منطقه خاورمیانه بین کشورهای مختلف شده و همچنین موجب شده است که نسبت به برخی از رودخانه‌های این منطقه، بعضی از کشورها حالت بالادستی یافته و بعضی دیگر در حالت پایین‌دستی قرار گیرند.

کنترل کشورهای بالادستی بر آب و قابلیت استفاده از آن به عنوان یک اهرم سیاسی، همواره بر روابط این کشورها اثرگذار بوده است. به طور کلی، کشور جمهوری اسلامی ایران از نظر موقعیت منابع آبی، در مرزهای شرقی خود در موضع پایین‌دستی و در مرزهای غربی خود در موضع بالادستی قرار دارد. در منطقه غرب کشور به دلیل مشترک بودن رودخانه‌ها بین چند کشور، موضوع مذکور نسبت به شرق کشور، پیچیدگی بیشتری دارد؛ از مصادیق بارز این موضوع می‌توان به اشتراک رودخانه‌های دجله و فرات بین کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و ایران اشاره کرد. این رودخانه‌ها در طول مسیر خود در کشورهای عراق، سوریه و ایران علاوه بر تأمین آب مناطق گسترده‌ای از این کشورها، تأمین‌کننده حق‌آبه زیست محیطی زیست بوم‌های متعددی، از جمله تالاب‌های کشور عراق و نیز هورالعظیم در ایران می‌باشند. بدیهی است که کنترل و تغییر رژیم این رودخانه‌ها در مناطق بالادستی، تأثیر گسترده‌ای از جنبه‌های مختلف بر کشورهای پایین‌دستی خواهد داشت. لازم به ذکر است که کشور سوریه تقریباً به طور کامل به آب رودخانه فرات و کشور عراق نیز به غیر از مقداری آب که از مرزهای غربی ایران وارد این کشور می‌شود، تا حد بسیار زیادی به آب رودخانه‌های دجله و فرات وابسته است (همان).

در شرق کشور نیز در خصوص منابع آب مرزی و مشترک با کشور افغانستان، همواره چالش‌هایی وجود داشته و دارد و با توجه به پایین‌دست واقع شدن ایران در این منطقه و عدم وجود منابع آب جایگزین، هیدروپلیتیک^۳ کشور در این مناطق حائز اهمیت است.

لازم به ذکر است که هرگونه تغییر در منابع آب بالادست، علاوه بر ایجاد ناپایداری‌های اجتماعی و سیاسی در منطقه، بر جمهوری اسلامی ایران نیز اثرگذار خواهد بود. در سال‌های اخیر به دلیل تحرکات کشورهای بالادستی و به خصوص ترکیه و افغانستان در مورد منابع آب منطقه و همچنین اثرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر ایران، موضوع هیدروپلیتیک در کشور اهمیتی بیش از پیش یافته و به موضوعی چالش برانگیز تبدیل شده است (همان).

علاوه بر ظهور بحران در مقدار یا کمیت آب به شرح پیش گفته، کیفیت منابع آب نیز با تهدیدهای فراوانی در سال‌های اخیر رو به رو بوده است و اهمیت بحران کیفیت آب، به هیچ وجه کمتر از اهمیت بحران در کمیت آن نیست؛ این امر بدان معناست که استفاده از آب در بخش‌های مختلف مصرف (شرب، صنعت و کشاورزی)، تولید فاضلاب‌ها، پساب‌ها و زهاب‌هایی را به دنبال خواهد داشت که خود، تهدیدی برای کیفیت منابع آب از جنبه‌های مختلف به شمار می‌رود.

3Hydropolytic

مصادیق آلودگی منابع آب متعدد بوده و از آلودگی رودخانه‌ها تا آلودگی آب‌های زیرزمینی قابل بررسی هستند. ورود پساب‌های مختلف به رودخانه‌ها، بدون تصفیه آن‌ها و رعایت استانداردهای زیست محیطی (مانند رودخانه‌های کارون، کرخه، سفیدرود، کرج و لتیان) و همچنین آلودگی منابع آب زیرزمینی به فاضلاب‌های شهری و پساب‌های صنعتی، مانند آلودگی منابع آب زیرزمینی شهر تهران، علاوه بر اینکه تأمین آب شرب شهرهای مربوطه را از نظر کیفی با مشکل مواجه خواهد ساخت، برای سایر مصارف به خصوص مصارف کشاورزی، نیز ایجاد مشکل خواهد کرد (همان، ص ۱۹).

۲-۱- عدم موفقیت سیاست‌های موجود

یکی از مقتضیات و ضرورت‌های پرداختن به بحث لزوم تدوین یک سیاست جنایی کارا و همه جانبه جهت مقابله با جرایم آبی در تمام ابعاد آن، نتیجه‌ای است که از مقایسه وضعیت بحرانی موجود منابع آبی کشور و میزان موفقیت سیاست‌های به کار گرفته شده موجود، در مقابله با از دست رفتن منابع مذکور از طریق جرایم آبی حاصل می‌آید؛ توضیح آنکه، بررسی سطحی و گذرای برخی از سیاست‌های موجود در این زمینه، بیانگر این چالش است که گاه سیاست‌های مذکور نه تنها منجر به بهبود وضعیت موجود نشده، بلکه گاهی به وخیم‌تر شدن اوضاع نیز انجامیده است. گزارش‌های موجود حاکی از آن است که علاوه بر دخالت مؤلفه‌های تأثیرگذار جهانی در شکل‌گیری بحران آب در ایران، پای چالش‌های داخلی و ضعف در ساختارها نیز در میان بوده است (همان).

بدیهی است ضعف در ساختارها ریشه در ضعف در سیاست‌های متخذه موجود دارد. عدم موفقیت این سیاست‌ها در بررسی نحوه عملکرد آن‌ها و نتایج حاصله از آن‌ها به وضوح نمایان می‌گردد. در این زمینه باید گفت که براساس آمارهای موجود، به دلیل سیاست‌های غلط اتخاذ شده در دهه‌های اخیر، متأسفانه تعداد ۳۲۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز تا پایان سال ۱۳۹۵ در کشور حفر گردیده است که از زمان اجرای طرح تعادل بخشی تاکنون ۴۱ هزار حلقه از این تعداد مسدود شده است و در صورت عدم کنترل و نظارت کامل در مناطق، سالانه حدود ۱۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز حفر یا بازگشایی می‌گردد.

واضح است که کنترل و نظارت کامل، تنها در سایه تدوین و اجرای سیاست‌های کارا و همه جانبه ممکن می‌گردد و ادامه وضع موجود- همانطور که ذکر شد- افزایش سالانه ۱۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز به آمار این چاه‌ها را به دنبال خواهد داشت؛ لذا در تبیین علت وخامت اوضاع در این زمینه، سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد، نبود نگرش سیستمی و وضع قوانین نامناسب، به عنوان عوامل مهم این مسأله شناخته شده است (دبیرخانه اتاق گفتمان آب در آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶، ص ۳).

این در حالی است که وضعیت بحرانی موجود، هیچ جایی برای تسلیم شدن در برابر جرایم آبی را باقی نگذاشته و مقابله اساسی و جدی با این جرایم را می‌طلبد. نمونه بارز این گفته را می‌توان در وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه به وضوح مشاهده کرد؛ چرا که در حالی که در شرایط فعلی این دریاچه دچار بحران جدی است، آمارهای موجود حاکی از محاصره دریاچه مذکور با بیش از ۳۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز است؛ این مسأله منحصر به این دریاچه نیست و در مقیاس وسیع‌تر نیز در کشور حاکم شده و عمومیت یافته است. به بیان دیگر، باید اذعان داشت که متأسفانه در بسیاری از موارد، در جاهایی که ارزش آب به گونه‌ای است که حفر چاه غیرمجاز خطر بیشتری برای منابع آبی منطقه ایجاد می‌کند، تعداد بیشتری حفر شده است (قلی زاده، ۱۳۹۶، ص ۴).

چنین وضعیتی در حوزه جرایم آبی کیفی که کیفیت آب را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مانند آلوده ساختن منابع آبی) نیز وجود دارد و منحصر به جرایم آبی کمی (که کمیت آب را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مانند برداشت بیش از حد از سفره‌های آب زیرزمینی) نیست؛ نمونه آن، رودخانه کارون است که علی‌رغم اهمیت فوق العاده آن، چند سالی است که به رودخانه‌ای کم آب و آلوده تبدیل شده است و از آن به عنوان وسیله‌ای برای انتقال انواع فاضلاب‌های شهری و روستایی استفاده می‌کنند (مالکی، عبدالهی و باجلان، ۱۳۹۵، ص ۳۰۵)، لذا هجوم انواع آلاینده‌ها از منابع مختلف موجب کاهش شدید توان پالایش طبیعی در رودخانه کارون شده است. بر اساس آمار، سهم مواد آلاینده در این وضعیت رودخانه به این شرح است: فاضلاب‌های کشاورزی: ۴۸ درصد، فاضلاب‌های شهری: ۲۶ درصد و فاضلاب صنعتی: ۲۳ درصد. بنابراین می‌توان گفت فاضلاب‌های کشاورزی بیشترین سهم را در این زمینه دارد؛ توضیح آنکه با اختصاص بخشی از اراضی این حوزه‌ها به فعالیت کشاورزی که اغلب در حاشیه رودخانه صورت می‌گیرد و با توجه به استفاده اجتناب‌ناپذیر از آفات و کودهای شیمیایی، سالانه حجم بالایی از پساب‌های کشاورزی، حاوی مقادیر زیادی از این قبیل مواد شیمیایی، وارد رودخانه می‌شود. متأسفانه این مسأله اختصاص به این نمونه نداشته و بسیاری از رودخانه‌های کشور با آن مواجه می‌باشند. به طور کلی، در بسیاری از این رودخانه‌ها به دلیل تجاوز زمین‌های کشاورزی به پهنه‌ی سیل‌گیر، فاضلاب‌های کشاورزی و زه‌آب آلوده به کود و سم مستقیماً وارد رودخانه‌ها می‌شوند. همچنین در مناطقی که شهرها و روستاها دارای تصفیه‌خانه فاضلاب نبوده و فاضلاب توسط چاه‌های جاذب جمع‌آوری می‌شود و نیز در محل فعالیت‌های صنعتی کشور که اغلب کارخانه‌جات صنعتی فاقد تصفیه‌خانه کامل هستند، فاضلاب آن‌ها به منابع پذیرنده رها می‌شود و باعث بروز مشکلات زیست محیطی می‌گردد (ریاحی و ریاحی، ۱۳۹۶، ص ۳۷۲). قطعاً بروز این شرایط می‌تواند گواهی باشد بر عدم موفقیت سیاست‌های موجود.

۲- بررسی مبانی فقهی و حقوقی سیاست جنایی

۲-۱- مبانی فقهی سیاست جنایی برای مقابله با جرایم آبی

۲-۱-۱- برخی از دلایل فقهی موافقان

با توجه به تأثیر واضح و غیر قابل انکار مذهب بر تمامی ابعاد زندگی جامعه مسلمان ایران، لازم است ابتدا تأثیر مبانی فقهی در تدوین سیاست‌ها را مدنظر قرار بدهیم. برخورد و مصاحبه با کشاورزان و روستاییانی که مرتکب بهره‌برداری بیش از حد و غیرمجاز از منابع آبی می‌شوند، نشانگر آن است که عده زیادی از آن‌ها معتقدند که هر گونه بهره‌برداری از منابع آبی در شرع، مباح است و بهره‌برداری غیرمجاز آن‌ها که به تدریج به نابودی سفره‌های آب زیرزمینی و فرونشست زمین می‌انجامد، غیرشرعی نیست. این امر یکی از ضروریات بررسی مبانی فقهی برخورد با این نوع بهره‌برداری‌هاست. به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی در این خصوص در میان قشر کشاورزان و روستاییان به صورت ویژه و نیز در میان کل افراد جامعه به صورت عام، باید به صورت جدی‌تری صورت گیرد؛ چرا که بررسی موضوع نشان می‌دهد که قواعد فقهی زیادی وجود دارند که می‌توان از آن‌ها برای تبیین لزوم داشتن یک برنامه جامع و کامل جهت حفظ منابع آبی بهره‌جست که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۱-۱-۲- قاعده احترام به مال عمومی

بررسی منابع موجود حاکی از آن است که از دیدگاه بسیاری از فقها آب از مشترکات است. مشترکات در فقه به اموالی گفته می‌شود که به نحوی از انحاء متعلق به حق عموم باشند و اصطلاح تفصیلی آن «مشترکات عمومی» است (عباس تاش، ۱۳۹۰، ص ۳۵-۳۳). بنابراین، چنین اموالی مالک خاص ندارند و مورد استفاده عموم‌اند و همه مردم در حق استفاده از آن‌ها با هم برابرند.

از سوی دیگر، منظور از احترام به مال مردم در قاعده احترام، آن است که اولاً تعدی و تجاوز نسبت به مال مردم جایز نیست و ثانیاً در فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز مسئول و ضامن است (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۲۱۳). بدین ترتیب، این قاعده از این جهت می‌تواند مبنای تدوین سیاست جنایی برای حفاظت از منابع آبی باشد که آب از اموال عمومی است و استفاده از آن حق یکایک مردم است و به عنوان مال مردم «محترم» است. پس کسی نمی‌تواند برای تصرف و بهره‌برداری از آن بر دیگری مقدم بشود، چرا که هرگونه تصرف و بهره‌برداری غیرمجاز از منابع آبی (اعم از کمی و کیفی) از مصادیق تصرفات مزاحم برای استفاده عموم است؛ در حالی که، در بیان مفهوم قاعده احترام گفته‌اند که تصرفات افراد در اموال خویش، منوط به رعایت احترام به حقوق دیگران است (گواهی و ثقی، ۱۳۹۵، ص ۳۴) و نیز بیانگر حرمت تصرف در اموال غیر، بدون اذن مالک و شارع است (سلامی زاده و رشوندبوکانی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵). بر این اساس، می‌توان از این قاعده برای تبیین لزوم برنامه‌مند ساختن تدابیر مورد نیاز برای برخورد با جرایم آبی بهره‌جست.

۲-۱-۱-۲- قاعده ولایت بر ممتنع

براساس این قاعده، اگر کسی از ادای حقوق دیگران خودداری نماید یا از انجام تکالیف قانونی خویش امتناع ورزد و یا مانع رسیدن افراد به حقوق خود گردد، حاکم جامعه اسلامی و یا منصوبین از سوی وی می‌توانند به قائم‌مقامی از سوی او عمل نموده و آنچه را که وظیفه اوست از باب ولایت انجام دهند (گواهی و ثقفی، ۱۳۹۵، ص ۳۲).

براساس این قاعده، ستاندن حق مظلوم از ظالم و رساندن ذیحق به حق خویش، یک واجب شرعی است که گاه لازمی آن اعمال ولایت حاکم خواهد بود. با همین استدلال، شریکی را که از تقسیم مال‌الشرکه امتناع می‌ورزد، مشمول قاعده ولایت و حاکم را مجاز به تقسیم مال مشاع دانسته‌اند (دری نجف آبادی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶).

در این رابطه همچنین باید گفت، ولایت به معنای تصدّی امور جامعه انسانی توسط فقیه جامع‌الشرایط، دارای چهار شأن دینی می‌باشد که دو شأن علمی است و دو شأن دیگر آن عملی. این چهار وظیفه عبارتند از: حفاظت، افتاء، قضاء و ولاء. براساس وظیفه ولاء، حاکم اسلامی پس از اجتهاد عمیق در متون و منابع دین و به دست آوردن احکام اسلام در همه ابعاد زندگی مسلمین، موظّف به اجرای آنهاست.

نظر فقیه جامع‌الشرایط در زمینه‌های اجتماعی، چه در امور فرهنگی نظیر تعلیم و تربیت و تنظیم نظام آموزشی صالح، چه در امور اقتصادی نظیر منابع طبیعی، جنگل‌ها، معادن، آب‌ها و ... در سایر امور لازم، به تطبیق قوانین اسلامی و اجرای احکام اسلامی در تمامی امور برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، تدوین، تدوین استراتژی‌های بلند مدت، عمران، آبادانی و توسعه جامعه اسلامی و ... نافذ می‌باشد و باید در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مدنظر قرار گیرد. این ولایت، ولایت مدیریتی بر جامعه اسلامی است که به منظور اجرای احکام و تحقق ارزش‌های دینی، شکوفاسازی استعدادهای افراد جامعه و رساندن آنها به کمال و تعالی صورت می‌گیرد (همان).

بدین ترتیب، می‌توان از این قاعده در جهت تبیین اختیار حکومت اسلامی برای تدوین سیاست‌های لازم برای منابع آبی از یک سو و نیز اختیار آن برای وادار نمودن ممتنع از این سیاست‌ها به گردن نهادن بر آنها از سوی دیگر، بهره جست و برای نمونه، اقدام دولت برای پُر و مسلوب‌المنفعه نمودن چاه‌های غیرمجاز که در شرایط بحرانی ناشی از کاهش منابع آبی به شدت مضر به مصالح عامه است، را توجیه نمود.

۲-۱-۱-۳- قاعده عدالت

استاد مطهری بیان می‌دارد: «عدل تشریحی یعنی اینکه در نظام جعل و وضع و تشریح قوانین، همواره اصل عدل رعایت شده و می‌شود». بدین ترتیب، در خصوص عدالت اقتصادی نیز از همین قاعده می‌توان بهره جست؛ لذا خداوند هیچ‌گونه مالی را رها نکرده، بلکه آن را قسمت کرده و حق هر صاحب حقی را به او داده است.

اگر عدالت در میان مردم برقرار شود، خواص و عوام، فقرا و مساکین و همه قشرهای مردم بی‌نیاز خواهند شد. در این راستا باید گفت یکی از مسائل مهم حکومتی و اجتماعی، بحث توزیع ثروت است. توزیع ثروت در هر حکومتی می‌تواند یکی از مصادیق تعیین‌کننده بقای اجتماع باشد (همان، ص ۶-۷).

شهید صدر در آثار خود به تفصیل به بحث عدالت اقتصادی توجه می‌کند و آن را عبارت می‌داند از تأمین حداقل رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه، تعیین حدود و مرزهای مصرف و جلوگیری از رفاه و آسایش زیاد، جلوگیری از انحصار و احتکار اموال و تجمیع ثروت در دست بخشی از جامعه و فراهم کردن امکان کار و تولید برای همه افراد جامعه. از نظر این اندیشمند، دولت برای تضمین اجرای قوانین عمومی و توزیع و جلوگیری از تخلف و عدالت اجتماعی ناگزیر باید در امور اقتصادی مداخله نماید (همان).

بدین ترتیب، قاعده فقهی عدالت نیز می‌تواند مبنایی برای دخالت دولت در توزیع عادلانه منابع آبی به عنوان یک سرمایه عمومی باشد و به تبع آن، لزوم تدوین یک برنامه نظام‌مند برای پیشگیری از جرایم و تخلفات احتمالی و برخورد با جرایم و تخلفات صورت گرفته که نقص عدالت در توزیع را به دنبال دارد، تلقی گردد.

۲-۱-۱-۴- قاعده ضرورت و اضطرار

یکی از قواعد فقهی که به دولت اسلامی اجازه می‌دهد در صورت ضرورت، به سلب مالکیت افراد دست بزند، قاعده فقهی «الضرورات تبیح المحظورات» است. عبارات «الضرورات تبیح المحظورات»، «رفع ما اضطرروا» و «کل حرام مضطر الیه فهو حلال» عبارات اصلی این قاعده‌اند. مفهوم قاعده اضطرار و فرمایش پیامبر (ص) در حدیث رفع، آن است که حکم شرعی از آنچه یک مسلمان در هنگام اضطرار ناچار به انجام آن می‌شود، برداشته و برای مرتکب فعل حرام در چنین مواقعی گناه اخروی و کیفر دنیوی وجود نخواهد داشت (جعفری ندوشن، ۱۳۹۵، ص ۴۱). در این راستا، واقعه اضطراری باید دارای شرایطی بدین شرح باشد: خطر مسلم‌الوقوع و شدید باشد، به وسیله خود مضطر ایجاد نشده باشد و مضطر به موجب شرع و قانون مکلف به تحمل ضرر نباشد (محقق داماد، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶-۱۴۵).

با این شرایط، حتی در صورتی که مالکیت بر منابع آبی، از نوع مالکیت خصوصی باشد و احترام به مالکیت اشخاص، مانع مداخله دولت تلقی گردد، می‌توان از این قاعده برای توجیه مداخله دولت در مالکیت خصوصی بر منابع آب و حتی سلب مالکیت اشخاص از این منابع بهره جست.

بی‌شک، استفاده بی‌رویه از منابع محدود آبی که به نابودی این منابع و از بین رفتن زیست‌بوم‌های چند هزار ساله و کوچ ساکنانشان می‌انجامد، ضرورت و اضطراری است که می‌تواند سلب حق مالکانه‌ی بهره‌برداران منابع آبی را نیز مباح کند. سیره معصومان (ع) در حالت ضرورت و اضطرار نشان می‌دهد که در این موارد، دولت اسلامی موظف به دخالت و جلوگیری از نابودی منابع عمومی و قحطی و بی‌آبی فراگیر در جامعه است. پیامبر اسلام (ص) به خاطر وضعیت اضطراری کمبود آب در مدینه و اطراف آن، مردم را از فروش آب اضافی چاه خود باز می‌داشت و امام علی (ع) در قحطی و خشکسالی، امر به مصادره اموال محتکران می‌کرد (جعفری ندوشن، ۱۳۹۵، ص ۴۲).

بدین ترتیب، تدوین سیاستی برای مداخله دولت برای حفظ منابع آبی در شرایط ضروری از یک سو و تدوین برنامه‌های جامع برای پیشگیری و برخورد با جرایم و تخلفات صورت گرفته در این حوزه از سوی دیگر، توجیه می‌گردد.

۲-۱-۱-۵- قاعده لاضرر

یکی از قواعد مشهوری که در ابواب مختلف فقهی مورد استناد قرار می‌گیرد، «قاعده لاضرر» است که ادله چهارگانه از کتاب، سنت، عقل و اجماع بر حجیت و اعتبار این قاعده دلالت دارند (عبدالهی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۹).

«ضرر» معادل کلمه «اضرار» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۸) و به معنای «زیان رساندن» آمده است (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۳۸۸) و شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارده بر دیگران است (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱) و معنای حدیث لاضرر به کوتاه سخن آن است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و عدم مشروعیت ضرر، هم شامل مرحله‌ی قانون‌گذاری و هم شامل مرحله اجرای قانون می‌گردد (همان، ص ۱۵۰).

این قاعده می‌تواند تدوین سیاست و برنامه‌های لازم برای مدیریت منابع آبی، حتی در صورت قائل شدن مالکیت خصوصی برای منابع آبی را توجیه نماید؛ چرا که اگرچه تصرف مالک در ملک خود بنا به اصل کلی اباحه، جایز است؛ اما تصرفی که موجب اضرار غیر گردد، بنابر قاعده لاضرر جایز نخواهد بود (موسوی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴) و این مبنایی است برای سلب مالکیت خصوصی از منابع آبی و جلوگیری از بهره‌برداری مضر به مصالح عامه از این منابع؛ چرا که اصل چهلم قانون اساسی که مبنای اصولی قاعده لاضرر در آن به خوبی انعکاس داشته است، چنین مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

۲-۱-۲- برخی از دلایل فقهی مخالفان

۲-۱-۲-۱- احترام به مالکیت خصوصی و قاعده تسلیط

دین مقدس اسلام مطابق فطرت انسانی، مالکیت را محترم دانسته است؛ زیرا انسان به حسب فطرت، مالکیت را معتقد است، حتی انسان‌های نیمه وحشی بلکه وحشی نیز مالکیت را محترم می‌دانند و برخلاف ادعای طرفداران مکتب اشتراکی، انسان بالفطره هر چه را به دست آورد مال خود می‌داند؛ بلکه حیوانات هم همین معنا را مطابق غریزه‌ی خود دارند و شکار خویش را به دیگری نمی‌دهند، ولی حیوان چون غالباً خوی ذخیره کردن ندارد لذا پس از سیر شدن بقیه را ترک می‌کند، بچه‌های شیرخوار نیز همین غریزه را در تملک پستان مادر و منع بچه‌های دیگر دارند.

علاوه بر این، اگر مالکیت شخصی لغو گردد، عشق به کار از بین می‌رود و تنبلی جای کار و کوشش را می‌گیرد و فعالیت از اجتماع رخت بر می‌بندد و شکست اقتصادی حتمی خواهد بود، زیرا اگر انسان بداند که نتیجه‌ی زحمات او نصیب دیگران خواهد شد و فعالیت شبانه‌روزی او برای او نتیجه‌ای نمی‌دهد، میل به فعالیت و عشق به کار در او می‌میرد و کار برای او یک حالت اجباری و قسری می‌گردد و زندگی پر از عشق و آمال و شور او تبدیل به یک زندگی ماشینی و سرد و بدون عشق می‌شود و هر اندازه مالکیت وی محدودتر گردد به همان اندازه عشق به کار و فعالیت از او سلب می‌شود و رکود اقتصادی ایجاد می‌گردد. این تجربه‌ای است که در چند دهه از تاریخ بقای نظام سوسیالیسم به دست آمده است (احمدی میانجی، ۱۳۸۲، ص ۲۳). بر همین اساس است که اسلام مراقب است که مردم از ناحیه‌ی قوانینش در «حرج» و فشار قرار نگیرند (گرامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۵). در واقع، قاعده تسلیط با حمایت از مالکیت خصوصی اشخاص مقرر می‌دارد: مالک می‌تواند در مایملک خود هرگونه تصرفی به عمل آورد، بدون اینکه کسی حق مزاحمتی برای او داشته باشد. قاعده تسلیط از جمله قواعد مسلم فقہی است. مبنای این قاعده جمله مشهور «لنّاس مسلّطون علی اموالهم» می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۹۵). بنابراین، آنگاه که انسانی از طریق مشروع مانند: احیا کردن و ... مالک زمینی شد، مالکیت او محترم است و به هیچ عنوانی بدون رضای او نمی‌توان در ملک او تصرف کرد که چنین تصرفی غصب و حرام خواهد بود و موجب غضب خدا و کیفرهای سخت اخروی و مجازات‌های شرعی خواهد شد (گرامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵۵). به همین دلیل است که گفته شده است: اگر چاه و یا چشمه‌ای در ملک کسی خود به خود پدید آید، مالک آب آن می‌شود، اگرچه قصد حیازت نکند (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۱، ج ۱، مسأله ۳۵۶۵).

این یکی از استدلال‌هایی است که براساس آن، کنترل منابع آب و محدودسازی بهره‌برداری از آن توسط دولت رد می‌گردد؛ چرا که بسیاری از کشاورزانی که با بهره‌برداری غیرمجاز یا بیش از حد مجاز به فعالیت‌های اقتصادی خویش مشغولند، زمانی که با برخورد عوامل اجرایی وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه آن رو به رو می‌شوند، اظهار می‌دارند که در ملک خصوصی خود اقدام به حفر چاه نموده‌اند و با توجه به مالکیت تبعی آب، منابع آبی ملک را نیز متعلق به خود می‌دانند.

پاسخ به این اشکال

در پاسخ به ایراد مطروحه باید توجه داشت که اولاً، اگرچه دین مبین اسلام از مالکیت خصوصی اشخاص حمایت می‌کند، اما با کنترل کلی تمایل افراد به مالکیت مخالف است و کنترل آن را در مواردی ممکن می‌داند (گرامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵۵). از جمله این موارد می‌تواند تأمین مصالح مردم باشد. شکی نیست که مالکیت خصوصی و بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی می‌تواند علاوه بر نسل فعلی، مصلحت نسل‌های بعدی را نیز به مخاطره افکند.

علاوه بر این، اگرچه قاعده تسلیط از قواعد مسلم فقهی است؛ لیکن اجرای مفاد آن محدود به اجرای قاعده «لاضرر» است؛ در مقام تعارض این دو قاعده، قاعده «لاضرر» مقدم است. به تعبیر دیگر، دامنه‌ی قاعده «تسلیط» نامحدود نیست و مالک نمی‌تواند با استناد به این قاعده در ملک خود هرگونه تصرفی کند، بلکه تصرفات مالک در ملک خود باید عقلایی باشد. نکته قابل دقت اینکه، تنها به جهت وجود قاعده «لاضرر» نیست که قاعده «تسلیط» محدود به مواردی می‌شود که به دیگری ضرری نرسد، بلکه اگر ادله‌ی لاضرر نیز در کار نمی‌بود، با توجه به بنای عقلا، در مواردی که سلطنت مالک منجر به ضرر غیر شود نمی‌توان به استناد قاعده «تسلیط» به جواز و مشروعیت تصرف حکم کرد (نوحی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۸). بدین ترتیب، به طریق اولی، اگر ضرر تمامی افراد جامعه و نسل‌های آینده در میان باشد، نمی‌توان با استناد به قاعده تسلیط قائل به مالکیت خصوصی منابع آب شد و تصور کرد که مالک می‌تواند با حفر چاه در ملک خود، آب حاصله را در اختیار گیرد.

۲-۲-۱-۲- اصل اباحه و حیازت مباحات

اگر در حرمت یا حلیت چیزی شک کنیم و دلیلی بر اثبات حرمت یافت نشود، با اصل اباحه، حلیت و جواز استفاده و بکارگیری آن اثبات می‌شود. فقیهان در موارد مختلف به این اصل اشاره و به آن استناد کرده‌اند. شیخ طوسی در کتاب خلاف در مباحث مختلف، در بیش از ۵۷ مورد به این اصل استناد می‌کند و می‌نویسد: «ان الأصل الإباحة فی جمیع الأشياء فمن ادعی التحريم فعليه الدلالة». اصل و قاعده در همه‌ی اشیاء، اباحه است و هر کس ادعای حرمت اشیاء را دارد، باید دلیل بیاورد (قاسمی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۴۹). بر این اساس، دیدگاه مخالف با مدیریت و کنترل آب‌ها توسط دولت، با تکیه بر مباح بودن آب‌ها، تصرف آن‌ها را به وسیله حیازت مجاز می‌دانند؛ چرا که اگر کسی مال مباحی را که مالک ندارد به قصد تملک و با رعایت قوانین شرعی تصرف کند، مالک آن می‌گردد و این عمل را «حیازت مباحات» می‌گویند (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۸۷).

به عبارت دیگر، حیازت استیلای بر شیء است، به گونه‌ای که برای حیازت‌کننده امکان هرگونه تصرف و انتفاع را در شیء فراهم کند (عراقی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۴۰).

در این ارتباط آب دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌سارهایی که از سیل‌ها و آب شدن برف‌ها جریان پیدا می‌کنند، آب چشمه‌ها و چاه‌های خودجوش و آب برکه‌ها و مرداب‌هایی که در زمین موات قرار دارند از اموال عمومی هستند، همگان می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند و کسی نمی‌تواند از آن جلوگیری نماید (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۱، ص ۷۴۸). در مورد زمین‌های موات، هر کس همانطوری که اجازه دارد این دسته از زمین‌ها را احیاء و از ثروت‌های طبیعی آن استفاده نماید، نیز می‌تواند از آب‌های زیرزمینی و سطحی آن استفاده کند. بنابراین هر فردی حق دارد به اندازه کارش از آن بهره ببرد و جایز نیست که برای دیگری در این باره مزاحمت ایجاد کند و او را از آن کار بازدارد. بنابراین، آب‌های شط‌ها و نهرهای بزرگ مانند دجله و فرات یا نهرهای کوچکی که خودشان از چشمه‌ها یا سیلاب‌ها یا آب شدن برف‌ها به جریان می‌افتند، همچنین چشمه‌های باز شده از کوه‌ها یا از زمین موات و غیر اینها، در استفاده مشترک می‌باشند و همین‌طور آب‌های زیرزمینی (فیاض، بی‌تا، ص ۴۸۳).

بر این اساس است که گفته شده است: احدی نمی‌تواند آب دریا، رودخانه، چشمه و امثال آن‌ها را پیش از آنکه به حیات و ملکیت خود درآورد، نسبت به فروش آن اقدام کند (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۱، مسأله ۳۵۶۲). همچنین، اگر کسی از آب رودخانه، با کندن کانال، قسمتی را به زمین خودش و یا زمین بایری به قصد حیات آب آن هدایت کند، مالک آن آب می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند از آن جلوگیری کند (همان، مسأله ۳۵۶۳) و اگر کسی در زمین موات به قصد حیات آب، چشمه‌ای بیرون آورد و یا چاهی بکند، مالک آب آن می‌شود (همان، مسأله ۳۵۶۴).

مطالب پیش‌گفته، دیدگاه برخی از کشاورزان و بهره‌برداران غیرمجاز از منابع آبی است که معتقدند کار ایشان، غیرشرعی نیست و به دلیل حیات آب‌ها که از مباحات هستند، حق اولویت در بهره‌برداری نصیب آن‌ها شده است.

پاسخ این اشکال

اگرچه اصل اباحه از اصول معتبری است که بسیار به آن استناد شده است و حیات مباحات نیز از طرق مشروع تصرف و بهره‌برداری از آن‌هاست، لیکن همه این مسائل تا زمانی مصداق دارد که مخالف مصالح عامه نباشد. مجدداً در اینجا، قاعده لاضرر در بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی خودنمایی می‌کند. به همین دلیل است که گفته شده است: هرگاه کسی به قصد حیات آب مباح، در زمین خود یا در زمین مباح، نهر ایجاد نماید، آبی که در نهر جاری می‌شود ملک صاحب نهر است، مشروط بر اینکه مزاحم اراضی دیگران یا شرب و استفاده مردم نباشد (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۸، ج ۱، مسأله ۳۱۱۱). همانطور که ملاحظه می‌شود، مالکیت آب برای صاحب نهر، مشروط به عدم ایجاد مزاحمت برای دیگران یا شرب و استفاده مردم شده است و این به نوبه خود، اهمیت خودداری از ایجاد هرگونه ضرر به مردم را می‌رساند.

همچنین در جای دیگر گفته شده است که حکومت می‌تواند برای حفر چاه و استفاده از آب قواعدی وضع نماید (همان، ص ۵۸۸)، چرا که با توجه به محدودیت منابع آبی و عدم تکافوی این منابع برای بهره‌برداری به میزان دلخواه توسط تمامی آببران مجاز و غیرمجاز، تردیدی نیست که سهل‌انگاری در حفاظت از این منابع و عدم کنترل و مدیریت بهره‌برداری و تسلط بر آن‌ها توسط اشخاص، به مصالح عموم به طور جدی لطمه خواهد زد.

۲-۲- مبانی حقوقی سیاست جنایی برای مقابله با جرایم آبی

علاوه بر مبنای فقهی بحث که تاکنون شرح آن گذشت، مبانی دیگری نیز وجود دارد که معمولاً تحت تأثیر همان مبانی هستند و از حیث اهمیت، نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ لذا به دلیل ماهیت حقوقی این مبانی و جای داشتن آن‌ها در عرصه علم حقوق، تحت عنوان مبانی حقوقی، اشاره‌ای مختصر به آن خواهیم داشت.

۲-۱-۲- عدالت توزیعی در عرصه حقوق عمومی

مراد از توزیع عادلانه آب، «عدالت توزیعی» است (رشیدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۳). عدالت توزیعی به اصول هدایت‌کننده‌ی توزیع کالاها و محصولات میان افراد دریافت‌کننده اشاره دارد و در مقابل «عدالت اصلاح‌گر» به کار می‌رود که برآیند اصلاح معاملات دو طرف فقط از طریق سزادهی تخلفات (تلافی) است و مبنای وضع برخی قواعد بعدی قرار گرفته است (عدالت قانونی و رسمی). در نظریه سیاسی معاصر، اصطلاح عدالت توزیعی عمدتاً درباره توزیع یا توزیع مجدد کالاها و محصولات توسط دولت بین شهروندان متبوع به کار رفته است (بیکس، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳). با این مقدمه روشن می‌گردد که وقتی گفته می‌شود «توزیع عادلانه آب، عدالت توزیعی است»، در واقع مراد آن است که آب سرمایه تلقی می‌گردد، سرمایه‌ای که به عموم افراد ملت تعلق دارد و دولت به اعتبار آنکه نماینده و حافظ حقوق ملت است، اداره و نظم استفاده مردم از آب را به عهده می‌گیرد (رشیدی، ۱۳۸۷، ج ۲). در واقع، دولت جمهوری اسلامی به عنوان اصیل و ذی‌نفع در تقسیم منافع عمومی آب که از مصادیق ثروت‌های عمومی و ملی است، آمرانه دخالت می‌کند تا نسبت به تأمین منافع عمومی اقدام شایسته و لازم را به عمل آورد (همان). در حال حاضر، این نظرات از طریق صدور مجوز یا نظام مجوزدهی صورت می‌گیرد و اهداف مورد انتظار از صدور مجوز بهره‌برداری از منابع آب از سوی دولت، تبیین حقوق و شناسایی مصرف‌کنندگان مجاز، ساماندهی حجم مجاز برداشت آب توسط مصرف‌کنندگان، تحقق توزیع عادلانه آب، فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای حل اختلاف محلی و اعمال مدیریت مناسب بر منابع آب می‌باشد (مدنی، ۱۳۸۴، ص ۲۶).

همانطور که ذکر شد، مهم‌ترین قانون مصوب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه آب، قانون توزیع عادلانه آب است. این قانون از سوی برخی از نمایندگان با این دلیل که توزیع آب در کشور عادلانه صورت نگرفته است، به مجلس ارائه شد و نهایتاً پس از طی فراز و نشیب‌ها در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ به تصویب مجلس رسید. در حال حاضر این قانون، قانون مادر در بخش آب کشور محسوب می‌شود (آگاه و حسنی سعدی، ۱۳۹۳، ص ۸۷). با توجه به این امر که اصولاً هر قانونی از عناصری چون فطرت، عرف، مصالح اجتماعی، عقل و عدالت تشکیل می‌شود تا قواعد حقوقی آن الزام‌آور شود؛

بنابراین، تصریح مکتب به عادلانه بودن این قانون و انتصاب عنوان «توزیع عادلانه آب» در حقیقت تأکیدی است بر این موضوع که قانون مذکور حاوی قواعد الزام‌آوری است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان ایرانی وضع شده و اجرای آن از طرف دولت جمهوری اسلامی تضمین شده است، زیرا دولت غایت خود را اقامه «عدل» می‌داند و برای حفظ نظم عمومی و ایجاد آرامش اجتماعی، تا حد امکان قواعد حقوقی آب را با عدالتی که نزد مردم، محترم و منطبق با انصاف است، سازگار می‌کند (رشیدی، ۱۳۸۷، ج ۲). بدین ترتیب، فارغ از مباحث مرتبط با ارزیابی میزان موفقیت قانون توزیع عادلانه آب در عمل، تا اینجا می‌توان به هدف برقراری عدالت توزیعی در وضع این قانون پی برد؛ لیکن در عمل، اجرای عدالت توزیعی در حوزه آب، بدون برخورد و مقابله با جرایم آبی، قطعاً ناکام خواهد ماند.

۲-۲-۲- رابطه توزیع عادلانه آب و حقوق شهروندی

ارتباط بین «عدل»، «عدالت» و «عادلانه بودن» با مقوله‌ی «حقوق شهروندی» آشکار است، چرا که «عدل» تداعی‌گر واقعی «برابری و تساوی» و برابری و تساوی از ابتدایی‌ترین و اصلی‌ترین حقوق شهروندی است؛ یعنی باید گفت که «توزیع عادلانه آب» به خودی خود یک مؤلفه مهم در «حقوق شهروندی» است. برای ارائه درک بهتر و جامع‌تری از موضوع، به طور مختصر برخی از جلوه‌های هم‌سوایی این دو مقوله در ادامه تبیین خواهد شد.

۲-۲-۲-۱- ارتباط مفهومی بین عدالت توزیعی و عادلانه بودن توزیع آب با حق شهروندان برای برخورداری از تساوی

بدیهی است که «عادلانه بودن» توزیع آب بر لزوم تساوی شهروندان در برخورداری از این منبع تأکید دارد. این تأکید، ناظر بر یکی از مؤلفه‌های ابتدایی و اولی‌یهی حقوق شهروندان است که در منشور حقوق شهروندی کشور ما تحت عنوان «حق کرامت و برابری انسانی» به رسمیت شناخته شده است. در این راستا، ماده ۷ منشور مذکور بیان داشته است: شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان برخوردارند؛ همچنین در ماده ۸ این منشور آمده است: اعمال هرگونه تبعیض ناروا، به ویژه در دسترسی شهروندان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت شغلی و آموزشی، ممنوع است. دولت باید از هرگونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی، تبعیض ناروا و محرومیت از حقوق شهروندی خودداری کند.

معنای عام عدالت آن است که عالم هستی بر مبنای عدالت آفریده شده و هر چیزی در جایگاه مناسب خود قرار گرفته است؛ لیکن در مورد نظام بهره‌برداری از منابع آب، مفهوم خاص عدالت در استفاده از منابع آب مورد نظر است. روایات زیادی در اهمیت عدالت و نقش آن در برخورداری همگان از مواهب الهی وارد شده است که براساس آن‌ها، علاوه بر اینکه عدالت یکی از اهداف نظام بهره‌برداری است، اجرای آن موجب فراوانی و برکت در منابع آب می‌شود.

در همین رابطه، خطاب‌های عام قرآن کریم، مبنی بر اینکه مواهب خدادادی برای همه‌ی انسان‌ها می‌باشد (خلق لکم ما فی السموات و ما فی الارض) نشانگر آن است که همان‌گونه که اسلام در عدالت در بهره‌برداری از منابع در درون یک نسل اهتمام ورزیده، مسأله عدالت بین نسل‌ها را هم مورد توجه قرار داده است (فراهانی فرد، ۱۳۹۲، ص ۱۲). بدین ترتیب، همانطور که ذکر شد، نتیجه منطقی حق تساوی شهروندان در برخورداری از مواهب عمومی، توزیع عادلانه آب در میان آن‌ها خواهد بود.

۲-۲-۲-۲- لزوم شرط شهروند بودن برای برخورداری از عدالت توزیعی و توزیع عادلانه آب

همانطور که در تبیین مفهوم «عدالت توزیعی» بیان گردید، این اصطلاح عمدتاً درباره توزیع یا توزیع مجدد کالاها و محصولات توسط دولت بین شهروندان متبوع به کار رفته است و شامل غیر شهروندان نمی‌شود.

توضیح آنکه منابع طبیعی از ثروت‌های گران‌بهای هر سرزمین است (نقوی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۸۵) که بهره‌برداری از آن امتیازی است برای افرادی که تابعیت آن سرزمین را داشته و به اصطلاح ما «شهروند» آن‌جا هستند. آب نیز در کشورهایی که تابع نظام مالکیت عمومی آب هستند، جزء همین منابع و از اموال عمومی کشورهاست و همه افراد حق بهره‌مندی از آن‌ها را ندارند، بلکه صرفاً کسانی که تابعیت یک کشور را دارند می‌توانند در استفاده از منابع آبی آن سهمیم باشند (بشیری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴). به همین دلیل، یکی از شرایط لازم برای متقاضی صدور مجوز، «شرط تابعیت» است. هرچند بند پ ماده ۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده ۷ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم در تعریف متقاضی صدور مجوز، آن را مشمول افراد غیرایرانی نیز نموده است؛ ولی غالب مجوزها و گواهی‌نامه‌ها محدود به داشتن تابعیت ایرانی هستند (مشهدی، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

نتیجه‌گیری

از دستاوردهای مهم این نوشتار می‌توان چنین عنوان نمود که مباحث مبنایی سیاست جنایی برای مقابله با جرایم آبی در فقه و حقوق کم نیست و هر یک، حرف‌های زیادی برای بیان اهمیت حفاظت از منابع آب و بحران ناشی از بی‌توجهی به این موضوع دارند؛ لیکن با وجود این مبانی نظری قوی، متأسفانه در عمل، سیاست جنایی موجود نتوانسته در مسیر و در راستای اهداف این مبانی آن‌طور که باید و با استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود، حرکت کند. آمارهای موجود در خصوص بهره‌برداری غیرمجاز از منابع آب، آلودگی منابع آب و سایر جرایم آبی حاکی از همین امر مهم است. یکی از دلایل مهم این عدم توفیق، عدم اطلاع‌رسانی و عدم فرهنگ‌سازی به صورت کافی و نیز ناهماهنگی مبانی نظری با مسائل اجرایی و عملی است. متأسفانه در عمل، اجرای سیاست‌ها با نوعی تساهل‌گرایی همراه است که هم در میان مردم و هم در میان مسئولین به چشم می‌خورد و دلیل عمده آن هم، بی‌اطلاعی از مبانی فقهی و حقوقی به خصوص مبانی فقهی است. آن‌ها فکر می‌کنند که آب در شرع مباح است و به همین دلیل، بهره‌برداران غیرمجاز از منابع آب نیز شرعاً مرتکب گناهی نمی‌شوند؛ لذا مبانی حقوقی که عمدتاً ریشه در مبانی فقهی دارند نیز زیر سؤال می‌روند؛ لیکن در این بررسی، مبانی قوی فقهی برای لزوم حفاظت از منابع فقهی یافت شد که می‌تواند ریشه و تکیه‌گاه محکم مبانی حقوقی نیز باشد.

بنابراین، در پاسخ به سؤالات تحقیق می‌توان گفت که فرضیه‌ها تأیید می‌شوند، چرا که اولاً در فقه مبانی قوی بازدارنده‌ای برای بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی وجود دارد؛ قاعده احترام، لاضرر، عدالت و ولایت و ... از آن جمله‌اند. ثانیاً مهم‌ترین مبانی حقوقی برای پیشگیری از جرایم آبی، رسالت حقوق برای حفاظت از منافع مشترک عمومی تحت عنوان حقوق بشر و در نگاه جزئی‌تر حقوق شهروندی است که در فقه با حمایت از مشترکات جایگاه خاصی دارد و به عبارت دیگر، خود ریشه در مبانی فقهی دارد که برای مالکیت و منفعت جمع نسبت به فرد، ارجحیت قائل است؛ ضمناً این مبانی می‌توانند توجیه‌کننده سیاست جنایی موجود و حتی تدوین یک سیاست جنایی سنجیده و کامل‌تر جدید باشند. لذا شایسته است که از قدرت مبانی موجود، نه برای توجیه سیاست جنایی فعلی، بلکه برای یافتن نقاط ضعف و دلایل عدم توفیق آن و نهایتاً شروع مجدد و تدوین یک سیاست جنایی سنجیده و با پشتوانه بهره‌جست. بدیهی است که انجام این مهم، جز از طریق بهره‌جویی از نظر عالمان و متخصصان علوم مختلف، به ویژه آگاهان به نحوه بهره‌گیری از داده‌های سیاست جنایی، میسر نخواهد شد.

۱. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۲). مالکیت خصوصی در اسلام. تهران: انتشارات دادگستر.
۲. آگاه، مهدی؛ حسنی سعدی، مریم (۱۳۹۳). حقوق آب در فلات ایران در بستر تحولات اقتصادی و اجتماعی. تهران: انتشارات اندیشکده تدبیر آب ایران.
۳. بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی ایران (۱۳۹۶). بحران آب به روایت آمار. *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۴۲۲۴.
۴. بشیری، عباس و دیگران (۱۳۹۲). *نظام حاکم بر حقوق کاربردی آب*. تهران: انتشارات جنگل.
۵. بیگس، برایان (۱۳۹۰). *فرهنگ نظریه‌های حقوقی*. ترجمه عباس ایمانی. تهران: انتشارات نامه هستی.
۶. جعفری ندوشن، علی اکبر (۱۳۹۵). تعادل بخشی منابع آب در پرتو تعدیل مالکیت خصوصی حق بهره‌برداری. *مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۲، شماره ۱، ص ۵۰-۳۱.
۷. جواهری، محمدحسن (۱۳۸۸). *درسنامه ترجمه*. قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
۸. دبیرخانه اتاق گفتمان آب در آذربایجان شرقی (۱۳۹۶). *خلاصه مذاکرات نشست هم‌اندیشی بحران آب زیرزمینی: چالش‌ها و راهکارها*. در: شانزدهمین کنفرانس هیدرولیک ایران. اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
۹. درّی نجف آبادی، قربانعلی و دیگران (۱۳۹۲). *الزامات الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در پرتو قواعد فقهی اقتصادی*. در: دومین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت.
۱۰. رشیدی، حمید (۱۳۸۷). *قانون توزیع عادلانه آب در آیین حقوق ایران*. تهران: انتشارات دادگستر، ج ۲.
۱۱. ریاحی، صادق؛ ریاحی، فاطمه (۱۳۹۶). *بهره‌برداری بی‌رویه و آلودگی منابع آب زیرزمینی و لزوم پایش کمی و کیفی*. در: مجموعه مقالات همایش ملی الگوهای پایدار در مدیریت آب.
۱۲. سلامی‌زاده، فاطمه؛ رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۹۵). *قاعده احترام در فقه امامیه*. *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، دوره ۲، شماره ۱/۳، ص ۱۰۲-۱۱۲.
۱۳. صداقت، محمدعارف (۱۳۹۲). *تکامل برزخی یا رشد پس از مرگ*. قم: انتشارات زائر.
۱۴. طباطبایی حکیم، محمدسعید (۱۳۹۱). *توضیح المسائل (عبادات و معاملات)*. قم: مهر ثامن الائمه (ع)، ج ۱.

۱۵. عباس تاش، محسن (۱۳۹۰). **سیاست جنایی ایران در قلمرو منابع آب**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دانشگاه شیراز، واحد بین‌الملل.
۱۶. عبدالهی، عبدالکریم (۱۳۸۸). **قواعدی از فقه**. قم: انتشارات بوستان کتاب قم.
۱۷. عراقی، محسن (۱۳۹۳). **فقه نظام اقتصادی اسلام**. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، مرکز انتشارات، ج ۱.
۱۸. فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۹۲). **نظام‌مند بودن شریعت در حوزه‌های اقتصادی: مقدمه‌ای بر نظام بهره‌برداری از منابع آب**. گفتگوی آب، سال اول، شماره ۳.
۱۹. فیاض، محمد اسحاق (بی‌تا). **رساله توضیح المسائل**. بی‌جا: بی‌نا.
۲۰. قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵). **دانشنامه فقه پزشکی**. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
۲۱. قلی‌زاده، مهتاب (۳۱ تیرماه ۱۳۹۶). **محاصره دریاچه ارومیه با بیش از ۳۰ هزار چاه غیرمجاز**. روزنامه شرق، سال چهاردهم، شماره ۲۹۱۶.
۲۲. گرامی، محمدعلی (۱۳۸۵). **درباره مالکیت خصوصی در اسلام**. قم: دفتر حضرت آیت الله العظمی گرامی، ج ۱.
۲۳. گواهی، زهرا؛ ثقفی، مریم (۱۳۹۵). **مبانی فقهی - حقوقی سلب مالکیت توسط دولت**. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۱۵.
۲۴. مالکی، جلیل؛ عبدالهی، محمد؛ باجلان، لیلا (۱۳۹۵). **تحلیل حقوقی مواد قانونی آلودگی آب با مطالعه موردی رودخانه کارون و مسئولیت ملی و بین‌المللی ایران در قبال آن**. *مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۲، شماره ۲، ص ۳۰۵-۳۲۲.
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۲). **مباحثی از اصول فقه**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۳.
۲۶. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). **قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت-مسئولیت)**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ویراست دوم، چاپ بیست و یکم.
۲۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۹). **قواعد فقه (بخش جزایی)**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ چهاردهم.
۲۸. مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۴). **مبانی و کلیات علم حقوق**. تهران: انتشارات پایدار، چاپ سوم.
۲۹. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶). **بررسی بحران آب و پیامدهای آن در کشور**. گزارش شماره ۱۵۶۰۸ (کد موضوعی ۲۵۰). معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی (دفتر مطالعات زیربنایی).

۳۰. مشهدی، علی (۱۳۹۲). درآمدی بر حقوق مجوزهای دولتی. تهران: انتشارات خرسندی.
۳۱. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی. ترجمه محمود صلواتی. تهران: انتشارات کیهان، چاپ دوم، ج ۸.
۳۲. موسسه فرهنگی انتظار نور (۱۳۸۷). گفتمان مهدویت: سخنرانی و مقاله‌های گفتمان نهم. قم: بوستان کتاب؛ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۳. موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۸۸). رساله توضیح المسائل با تجدید نظر و اضافات. قم: انتشارات نجات، ج ۱.
۳۴. موسوی، سید ابراهیم (۱۳۷۸). قاعده لاضرر. حقوقی د/دگستری، شماره ۲۹ - ۲۸، ص ۱۱۹-۱۴۲.
۳۵. نجفی زنجانی، حافظ (۱۳۹۴). اصول و روش‌های تربیت در مناسک حج. تهران: انتشارات نشر مشعر.
۳۶. نقوی، رضا و دیگران (۱۳۹۵). ارزیابی نقش حقوق شهروندی در حفظ منابع طبیعی با استفاده از تحلیل رگرسیونی: مطالعه موردی شهرستان بهشهر. در: دومین همایش استانی حقوق شهروندی، دانشگاه پیام نور بهشهر.
۳۷. نوحی، حمیدرضا (۱۳۸۶). قواعد فقهی در آثار امام خمینی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، موسسه چاپ و نشر عروج.
۳۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶). تفسیر راهنما. قم: انتشارات بوستان کتاب، ج ۱.